

هویت یابی اجتماعی زن در قرآن با تأکید بر تفاسیر «المیزان» و «تسنیم»:

مادرانگی و اصلاح اجتماعی

هادیه پرهیزکار^۱، علی اکبر کلانتری^۲

چکیده

هویت اجتماعی از مهم‌ترین ابعاد هویت است که هم برای زنان و هم برای مردان موضوعیت دارد؛ اما اختلاف آرا در خصوص هویت اجتماعی زنانه هم در مقایسه بین نظریات غربی و اسلامی و هم درون نظریات اسلامی بسیار زیاد است که امر سردرگمی‌هایی را برای زنان ایجاد نموده است. مطالعه حاضر در نظر دارد تا با روش توصیفی-تحلیلی صورت‌های هویت‌یابی اجتماعی زنان در قرآن را در تفاسیر «المیزان» و «تسنیم» بررسی کند و به تبیین متعالی‌ترین صورت هویت‌یابی اجتماعی زنان بپردازد. نتایج نشان می‌دهد که قرآن کریم حضور اجتماعی دنیاطلبانه، عشوه‌گرانه و متبرّجانه را مورد نهی قرار می‌دهد. در مقابل، نفس حضور اجتماعی و اقتصادی زنان، حضور در عرصه سیاسی و حکمرانی و اشتغال اقتصادی زنان با سکوت قرآن تأیید می‌شود؛ اما حضور مبارزاتی در راه اسلام، حضور در مقام مصلح اجتماعی و نیز حضور در معاهدات سیاسی مورد تأیید صریح قرار می‌گیرد؛ اما در بین همه صورت‌های هویت‌یابی اجتماعی زنانه، حضور مادرانه و مصلحانه نه تنها مورد تأیید قرار می‌گیرد، بلکه تحسین نیز می‌شود و زن را تا مرحله اسوه‌بودن رشد می‌دهد. در مجموع می‌توان گفت، هویت اجتماعی زن از منظر قرآن، اگر با مادرانگی و نه صرف مادری، همراه شود، هم در سطح خانواده و هم در مسیر اصلاحات اجتماعی در مطلوب‌ترین وجه خود قرار می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: هویت زن، هویت اجتماعی زن در قرآن، مادری، مادرانگی زن، اصلاح اجتماعی.

۱. دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات، دانشگاه شیراز، پست الکترونیک: parhizkar.ha@gmail.com

۲. دانشیار رشته علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)، پست الکترونیک: aak1341@gmail.com

طرح مسئله

هویت یا کیستی به مجموعه نگرش‌ها، ویژگی‌ها و روحیات فرد و آنچه وی را از دیگران متمایز می‌کند، گفته می‌شود. عمده بحث‌های مربوط به هویت در علوم روان‌شناسی و جامعه‌شناسی مطرح شده است. این علوم به دلیل ماهیت مدرن خود، هویت را بر مبنای نگرش‌ها و روحیات فرد و عمدتاً در ارتباط با دیگری و اجتماع معنا کرده‌اند. بدین ترتیب هویت ریشه در وجه اجتماعی فرد دارد؛ زیرا بر اساس علوم انسانی مدرن، اجتماع تعیین‌کننده همه چیز و به نوعی جایگزین وجه الهی انسان شده است.

در نگاه دینی، خصوصاً دین اسلام، حیطه‌های شکل‌دهنده هویت انسان بسیار وسیع لحاظ شده است. امور اعتباری مانند منزلت شغلی، پایگاه طبقاتی، قومیت و نژاد، ملیت و جنسیت، در هویت اصیل و ماندگار انسانی مدخلیت ندارند. معیار هویت انسانی، شکوفایی عقل است و امور اعتباری تنها معبر و بستر این شکوفایی است. مسئله هویت در قرآن ویژگی‌های متمایز و خاص خود را دارد و باید از زاویه خاص خود بررسی و تأمل شود.

این پژوهش در نظر دارد به مسئله هویت اجتماعی زن از دیدگاه قرآن با توجه به انواع حضور و نوع مواجهه قرآن با الگوهای مختلف آن پرداخته و نهایتاً حضور اجتماعی مطلوب از دیدگاه قرآن را معرفی نماید.

پیشینه پژوهش

در رابطه با هویت و هویت اجتماعی زنان، تاکنون مطالعات زیادی انجام شده است که می‌توان آن‌ها را در دو بخش کلی طبقه‌بندی نمود. بخش نخست مطالعاتی هستند که به بررسی هویت زنان با تکیه بر آیات قرآن پرداخته‌اند. این مطالعات شامل موضوعاتی مثل آفرینش زن در قرآن و روایات (فرجامی، ۱۳۸۵)؛ نقش مادری در آموزه‌های قرآنی (نوری، ۱۳۹۳)؛ جایگاه حقوقی زن در قرآن کریم (عطاش، ۱۳۹۲)؛ کیفیت حضور زن در اجتماع (طاهری‌نیا، ۱۳۸۵)؛ فعالیت اجتماعی

زنان (مفتح و یوسفی، ۱۳۹۴)؛ تأثیر قومیت مردان بر حضور اجتماعی زنان (حاج‌بابایی و همکاران، ۱۴۰۱)؛ بررسی نبوت حضرت مریم (س) (پویا‌زاده و طالبی، ۱۴۰۰)؛ رفتارشناسی ملکه سبا در تعامل با مردم (نادری و بهجت‌پور، ۱۳۹۷) و ... هستند. بخش دوم پژوهش‌هایی هستند که به بررسی حضور سیاسی و اجتماعی زنان در قالب اصلاح‌گری اجتماعی و نقش زنان در جنبش‌ها و انقلاب‌های معاصر پرداخته‌اند و به همین دلیل نتیجه‌گیری آنان از مزایا و معایب حضور زنان در جنبش‌های اجتماعی، منحصر به نتایج تاریخی جنبش‌ها و انقلاب‌های غرب مدرن (وحیدی‌راد، ۱۳۹۷) و ایران از دوران مشروطه (علم و رضوی، ۱۳۹۲؛ شیرودی، ۱۳۸۴؛ کسرای و نیکخواه، ۱۳۸۸) به این سوست. در مقابل، مطالعات بخش نخست که به بررسی هویت زنان در قرآن پرداخته‌اند، به نقش مادری، نقش سیاسی و نقش جنسیتی زنان پرداخته‌اند، ولی ارتباطی بین ابعاد هویتی زنان از منظر قرآن کریم برقرار ننموده‌اند.

مطالعه حاضر درصدد است که به وجه اصلاح‌گری سیاسی و اجتماعی هویت زنان از منظر قرآن کریم بپردازد. این پژوهش از سویی، مستند بر شواهد قرآنی از حضور زنان در اصلاح‌گری‌های اجتماعی به نتیجه‌گیری از خصایص حضور زنان در این اصلاحات می‌پردازد و از سوی دیگر، به نقش‌های زنان به صورت منفک و جدا از هم نمی‌نگرد و از این رو، این وجه از هویت زنان در ارتباط با سایر وجوه هویتی زن از منظر قرآن کریم بررسی خواهد شد.

یافته‌های پژوهش

صورت‌های مختلف هویت‌یابی اجتماعی زن در قرآن به چهار بخش اصلی تقسیم می‌شود. نخست، هویت اجتماعی مورد نهی قرآن که در آن به جنبه‌های سلبی حضور اجتماعی زنان پرداخته می‌شود. دوم، هویت اجتماعی مورد تأیید غیرمستقیم قرآن که در آن اصل حضور اجتماعی زنان به صورت ضمنی و تلویحی تأیید شده است. سوم، هویت اجتماعی مورد تأیید مستقیم قرآن که در آن حضور اجتماعی زنان به صورت صریح تأیید شده است و در آخر هویت اجتماعی متعالی از منظر قرآن که در آن نه تنها حضور اجتماعی زنان تأیید، بلکه حتی مورد تحسین و ترغیب نیز قرار گرفته است.

۱. هویت اجتماعی مورد نهی قرآن

بخشی از این آیات اگرچه در مورد همسران پیامبر نازل شده است، می‌توان از آنها یک اصل کلی را برداشت کرد که کسانی که در جایگاه و منزلت اجتماعی بالا قرار دارند و بدین واسطه، رفتار و شیوه زندگی ایشان مورد توجه و استناد جامعه قرار می‌گیرد، باید از هر نوع رفتار غلط که بازتاب اجتماعی دارد یا رفتارهایی که نشان‌دهنده خوی اشرافی‌گری و دنیاطلبی است اجتناب کنند؛ زیرا همانگونه که گفته شد عملکرد این گروه به خصوص همسران و خانواده‌های مسئولین ضریب اجتماعی داشته و به سرعت مورد تعمیم قرار می‌گیرد.

۱-۱. نهی از فاحشه آشکار و اشرافی‌گری

آیات ۲۸ تا ۳۱ سوره مبارکه احزاب، خطاب به همسران پیامبر، آنها را از دو چیز منع می‌کند.

یک، دنیاطلبی و زیورهای آن.^۱

دو، فاحشه مبینه یا عمل زشت آشکار.^۲

در این آیات مدنظر آن است که صرف همسر پیامبر بودن امتیاز ویژه‌ای ندارد، بلکه تکلیف بیشتری بر شخص بار می‌شود؛ چراکه همسر پیامبر علاوه بر اینکه دارای یک شخصیت حقیقی است، به واسطه همسر پیامبر بودن یک شخصیت حقوقی نیز دارد. ازاین رو، حضور در کنار پیامبر و انتساب به او، الزامات و ملاحظاتی دارد که در آیات فوق، با دو منع ترسیم می‌شود.

نویسنده تفسیر المیزان در تفسیر این آیات بیان می‌دارد که «جمع بین وسعت در عیش دنیا و صفای آن که از هر نعمتی بهره‌گیری و به آن سرگرم شوی، با همسری رسول خدا و زندگی در خانه او ممکن نیست و این دو با هم جمع نمی‌شوند». (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۶/۴۵۷)

۱. «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ إِن كُنْتُمْ تُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزَيِّنَتَهَا...». احزاب، آیه ۲۸.

۲. «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يَضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ...». احزاب، آیه ۳۰.

۲-۱. نهی از حضور همراه با جلوه‌گری‌های زنانه

پس از امر به فرو بستن چشم‌ها و خالی کردن دل‌ها از زیور و زینت دنیا و همچنین دوری از فحشا و زشتی، آیه ۳۲ سوره احزاب پرده از حدود دیگر حضور اجتماعی برمی‌دارد و هشدار می‌دهد که «إِنْ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا». قرآن با ناز و عشوه سخن گفتن زنان و حضور خاضعانه آن‌ها را متوجه این امر می‌داند که مبادا با این کار طمع‌ورزی طمع‌ورزان بیدار شده و راهی در دل بیمار دلان باز شود. از این رو، به صراحت تنها قولی را که برای زنان می‌پسندد قول معروف است و نه قولی خاضعانه.

علامه طباطبایی در تعریف قول خاضعانه چنین عنوان می‌کنند که «خضوع در کلام به معنای این است که در برابر مردان آهنگ سخن گفتن را نازک و لطیف کنند تا دل او را دچار ریبه و خیال‌های شیطانی نموده، شهوتش را برانگیزانند و در نتیجه آن مردی که در دل بیمار است به طمع بیفتد؛ منظور از بیماری دل، نداشتن نیروی ایمان است، آن نیرویی که آدمی را از میل به سوی شهوات باز می‌دارد». (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۶۲/۱۶)

آیت‌الله جوادی نیز در تفسیر این آیه به این نکته تأکید دارند که هشدار قرآن بر این است که در حرف زدن هایتان هم باید مواظب باشید که نه محتوای حرف شهوت‌انگیز باشد نه کیفیت ادای کلمات فتنه‌انگیز باشد. به عبارتی اولاً باید مراقب کیفیت ادای کلمات بود؛ ثانیاً مراقب محتوای کلام بود و ثالثاً جامع بین کیفیت بد و محتوای بد که از همه بدتر است؛ چراکه این هر سه، مرض‌آور است و اصلاً گناه مرض است. از این رو، باید در هر سه مراقبت داشت (جوادی آملی، ۱۴۰۱: ۱۳۴/۶۶)

۳-۱. نهی از حضور غیر ضروری و متبرجانه به خصوص در صحنه سیاست

آیات ۳۳ و ۳۴ سوره احزاب خط‌مشی دیگری از موارد نهی شده را روشن می‌سازد. در تفسیر «وَقَوْلَنَ فِي بُيُوتِكِنَّ وَلَا تَبْرَجْنَ تَبْرُجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى» با دو نگاه مواجه می‌شویم.

از نظر لغوی «تبرج» به معنای ظاهر شدن در برابر مردم است، همانطور که برج قلعه برای همه

هویدا است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۶۳/۱۶)

برخی از مفسرین این منع از تبرّج را به مسئله حجاب و عفاف بازگشت داده‌اند که همانند دوران جاهلیت به خودنمایی و تبرّج نپردازید. درحالی که آیت الله جوادی بر این باورند که مسائل عفاف و حجاب که در آیات قبل به صورت رقیق‌تر فرمود یقیناً تبرّج جاهلیت و خودنمایی و خودآرایی را شامل می‌شود، اما این اصرار قرآن به همسران پیامبر به صورت صریح که شما این کار را نکنید، معلوم می‌شود فتنه‌ای در پیش است و مسئله پرچم‌داری فتنه و علمداری آن است. (جوادی آملی، ۱۴۰۱: ۱۴۵/۶۶)

ایشان معتقد است که اصل نهی از تبرّج در این آیه به طور خاص به صحنه سیاست بازمی‌گردد و همسران پیامبر را زنه‌ها می‌دهد که مبدا در این صحنه‌ها از شما سوءاستفاده سیاسی شود، آن هم به خاطر انتساب شما به رسول خدا. از همین روی صاحب تفسیر تسنیم بیان می‌دارد که «قَرْنٌ فِی بُیُوتِكُمْ» این عبارت نه به آن معناست که در خانه بنشینید و رفت و آمد نکنید و به مسجد نروید، بلکه به این امر تذکار می‌دهد که:

«همسران پیامبر! شما در مسائل سیاسی، خودتان را به میدان نکشانید». (جوادی آملی، ۱۴۰۱: ۱۴۶/۶۶)

آیت الله جوادی به نقل از شیخ طوسی در تبیان به دو وجه از «قَرْنٌ فِی بُیُوتِكُمْ» اشاره می‌کند که یکی حفظ وقار و دیگری حفظ قرار و آرامش در بیوت نبوی است؛ یعنی چنین نباشد که شما اسلامی حرف بزنید، ولی جاهلی فکر بکنید. اگر مسلمانید باید هم اسلامی حرف زد و هم اسلامی فکر کرد و اگر اسلامی حرف زدید، اما جاهلی عمل کردید این می‌شود تبرّج جاهلیت. (جوادی آملی، ۱۴۰۱: ۱۴۶/۶۶)

۱-۴. امر به حضور مصونیت‌ساز

در مقابل موارد نهی شده، قرآن به وضوح و روشنی شیوه حضور زنان و چرایی اتخاذ این شیوه را بیان می‌کند. در آیه ۵۹ سوره احزاب،^۱ به منسوبین به پیامبر و خانواده‌های مؤمنین توصیه

۱. «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ

می‌کند که بین خود و گروه‌های دیگری با پوشاندن سر و سینه با جلابیب، ایجاد تمایز نمایند و بر این امر تأکید می‌کند که اتخاذ این خط‌مشی، مانع از آزار و اذیت زنان مؤمن و پاکدامن می‌شود. در این جا عنصر هویت‌بخش که فرد را متمایز می‌سازد نوع پوشش و لباس است. «جلابیب» روسری مخصوصی است که صورت و سر را ساتر می‌شود. منظور این است که آن را طوری بپوشند که زیر گلو و سینه‌هایشان در انظار ناظرین پیدا نباشد؛ چراکه این کار «به شناخته شدن به اینکه اهل عفت و حجاب و صلاح و سدادند نزدیک‌تر است». (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۱۰/۱۶) علامه طباطبایی این نگاه و این تفسیر را اولی می‌داند نسبت به تفسیر کشاف که این پوشیدگی را علامت زنان آزاده و مسلمان می‌داند و آن‌ها را ممتاز از کنیزان و زنان یهود و نصارا می‌سازد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۱۰/۱۶)

آیت‌الله جوادی چنین تذکارتی را تفسیر به «مصونیت‌زایی حجاب در برابر ایدای اوباش» کرده و بیان می‌دارد که درست است دیگران حق ایدای ندارند، اما ما هم موظفیم به گونه‌ای زندگی کنیم که مورد اذیت واقع نشویم. از همین رو قرآن، جلباب را علامت عفت می‌داند که سبب می‌شود اوباش به دنبال این زنان راه نیفتند. بر همین اساس آیت‌الله جوادی، این حکم را یک حکم امنیتی-اجتماعی می‌داند. (جوادی آملی، ۱۴۰۱: ۴۲۹/۶۶)

بنابراین، اسلام نمی‌پسندد که نحوه حضور زن به گونه‌ای باشد که موجبات آزار و اذیت او فراهم گردد و امنیت او به خطر افتد.

۲. هویت اجتماعی مورد تأیید غیرمستقیم قرآن

قرآن کریم، در برخی از آیات، اصل حضور و مشارکت زنان را در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به صورت تلویحی و غیرمستقیم تأیید کرده است.

۱-۲. حضور اجتماعی - اقتصادی

آیه ۳۲ سوره نساء به بهره‌برداری زنان و مردان از حاصل تلاش خود و آنچه کسب می‌کنند

اشاره دارد.^۱ در این آیه فعالیت اقتصادی بانوان مورد تأیید قرار گرفته است.

«مردان و زنان، هر یک در امور مادی و معنوی استقلال دارند و محصول کارشان از آن خود آن‌هاست. تصریح به این مطلب (استقلال هر یک از زنان و مردان در بهره‌گیری از کسب مادی خود) در دو جمله جداگانه، نشانه اهمیت استقلال اقتصادی آنان و مخالفت با پندار جاهلیت است که زنان را محروم می‌دانستند». (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۴۹۱/۱۸)

«اگر مرد یا زن از راه عمل چیزی به دست می‌آورد خاص خود او است؛ چون مردان از آنچه با عمل خود به دست می‌آورند نصیب دارند و زنان نیز از آنچه با کار خود به دست می‌آورند بهره‌مند هستند». (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۳۶/۴)

به علاوه در آیه ۲۸۲ سوره بقره به برخی از احکام داد و ستد اشاره شده و از اهل ایمان می‌خواهد که دو گواه از مردان را به گواهی بگیرید و اگر به دو مرد دسترسی نبود یک مرد و دو زن از گواهانی که خود شما دیانت و تقوایشان را می‌پسندید، شاهد بگیرید.^۲

با توجه به این آیه و گواه گرفتن دو زن در کتابت دیون، می‌توان اذعان داشت که شهادت در محکمه در جایی معنا دارد که زنان در داد و ستدها حاضر باشند.

«در صورت نبود دو مرد، باید مردی را همراه دو زن، از میان شاهدان عادل که به عدالت آنان رضایت است به گواهی گرفت. دو شاهد زن باید هنگام شهادت با هم باشند تا اگر یکی از آن دو چیزی را فراموش کرد، دیگری آن را یادآوری کند». (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۶۲۶/۱۲)

«شهادت در صحنه یا در محکمه، هرچند اطلاعات عمومی، حضور در جامعه و آگاهی از فرهنگ رایج تجاری را می‌طلبد؛ ولی تخصص و تعلّم خاصی لازم ندارد». (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۶۲۸/۱۲)

۱. لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ.

۲. «و اَشْهَدُوا شَهِيدِينَ مِنْ رِجَالِكُمْ فَاِنْ لَمْ يَكُنْ بِكُمْ مِنْ رِجَالٍ فَرُجُلٌ وَاِمْرَاتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشَّهَدَاءِ اَنْ تَضَلَّ اِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرْ اِحْدَاهُمَا الْاُخْرَى». بقره، آیه ۲۸۲.

«در جمله: «أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا» کلمه «حذر- مبادا» در تقدیر است و معنایش این است که «تا مبادا یکی از آن دو فراموش کند». (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۶۶۸/۲)

شاهد دیگر آیات ۲۲ تا ۲۶ سوره قصص است که به ماجرای دیدار دختران شعیب و حضرت موسی پرداخته و در آن، دو نکته مشهود است. یکی فعالیت اقتصادی دختران شعیب و دیگری مشورتی که آنها در استخدام حضرت موسی به پدر خود می‌دهند.

حضرت موسی در ورود خود به شهر مدین با چوپان‌هایی روبه‌رو شد که به صورت نوبتی به گوسفندان خود آب می‌دادند و دو خانم دورتر از بقیه ایستاده بودند که مزاحمتی برای آن‌ها ایجاد نشود.^۱ «وجود مبارک موسای کلیم از آن‌ها سؤال کرد چرا اینجا هستید؟ آن‌ها هم گفتند پدری داریم پیر و غیر از ما کسی را ندارد، یعنی اگر ما آمدیم این جا داریم دامداری می‌کنیم. این ننگ نیست که کسی دامدار باشد، اما اختلاط، ننگ است ما هرگز با نامحرم کنار هم جمع نمی‌شویم، ولی چوپان بودن، دامداری کردن اینها ننگ نیست.» (جوادی آملی، ۱۴۰۱ ب: ۷۹/۶۳ و ۸۳)

از طرفی دیگر پس از بازگشت دختران به منزل، با توجه به اینکه آن‌ها زودتر از معمول بازگشته بودند پدرشان علت را جویا می‌شود و دختران در جواب وی ویژگی‌های جناب حضرت موسی را بازگو کرده از جمله اینکه او مرد باتقوا، مورد اعتماد و نیرومندی است و به تنهایی از چاه آب کشیده، «يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ» و به پدر مشورت می‌دهند که او را به استخدام خود در بیاورد. (جوادی آملی، ۱۴۰۱ ب: ۸۵/۶۳ و ۸۶)

بنابراین، هم حضور اقتصادی زنان و داشتن شغل مورد نهی قرآن نیست و مذمتی نسبت به دختران حضرت شعیب صورت نگرفته و هم جایگاه مشورتی آنان در امور اقتصادی نیز مورد تأیید قرآن قرار گرفته است.

۱. «وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةٌ مِنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّىٰ يَصُدِّرَ الرَّعَاءُ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ». قصص، آیه ۲۳.

هویت مدنظر در این دسته از آیات وجود احساس مسئولیت نسبت به خانواده و جامعه در فضای اقتصادی به همراه حفظ حریم و همراه با هویت متقیانه است.

۲-۲. حضور در عرصه سیاسی و حکمرانی

در آیات ۲۳ تا ۴۴ سوره مبارکه نمل، ماجرای فرمانروایی ملکه سبا و نحوه حکومت وی و مراودات او با حضرت سلیمان و در نهایت ایمان آوردن به خدای واحد، ذکر می‌شود. آنچه بیش از همه در این جا موضوعیت دارد این است که فرمانروایی ملکه سبا در جایگاه حاکمیت یک زن بر جامعه از مواردی است که در این آیات مورد مدح یا ذم قرار نگرفته و این امر دلیل بر تأیید تلویحی قرآن است. علاوه بر این، قرآن به امکانات ابزاری و توانمندی‌های روحی و نحوه حاکمیت قدرتمندانه و هوشمندانه ملکه اشاره می‌کند.

هدهد در گزارش خود به حضرت سلیمان در خصوص ویژگی‌های این حکومت می‌گوید که خانمی در رأس حکومت قرار داشت و همه امکانات و تدبیر و اداره و مدیریت حکومت هم در اختیار او بود و کمبودی نداشتند، عرش عظیم داشتند به این معنا که هر چه لازمه این مملکت بود داشتند؛ اما از نظر اعتقادی و فکری، خود او و قوم او آفتاب پرست بودند و مشکل اعتقادی داشتند. (جوادی آملی، ۱۴۰۰: ۶۲/۲۷۷)

علامه طباطبایی در بیان ویژگی‌های حکومت ملک سبا می‌فرماید: «منظور از «کل شیء» در آیه هر چیزی است که سلطنت عظیم محتاج به داشتن آن‌ها است، مانند حزم و احتیاط و عزم و تصمیم راسخ و سطوت و شوکت و آب و خاک بسیار و خزینه سرشار و لشکر و ارتشی نیرومند و رعیتی فرمان بردار. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۵/۴۹۵)

نکته قابل توجه آن است که سبک‌های مدیریتی خاص ملکه سبا در مورد هیچ‌یک از پادشاهان و حاکمان هم عصر انبیاء سابقه ندارد. نه تنها ویژگی‌های ممتاز حکومتی وی که به آن اشاره شد، بلکه هم فکری با مستشاران و همچنین رفق و مدارا و پرهیز از جنگ در بادی

امر نیز از دیگر خصیصه‌های مورد توجه در شیوه حکمرانی ملکه سبا است.^۱

در جریان رویارویی ملکه سبا با سلیمان و ایمان آوردن او آیت‌الله جوادی آملی بر عقلانیت او تأکید دارند.

«وقتی وی از نزدیک با سلیمان گفت‌وگو کرد گفت: رَبِّ اَنْتَ ظَلَمْتَ نَفْسِی وَاَسَلَمْتُ مَعَ سَلِیْمَانَ لَهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ؛ یعنی خدایا من به خودم ستم کردم از این‌که تو را نپرستیدم و من همراه سلیمان به کوی تو می‌آیم. من مسلمان سلیمانی نیستم، بلکه من با سلیمان، مسلمانم و مسلمان توام. ذات اقدس اله از این جریان به عنوان عظمت و عبرت‌آموزی یاد می‌کند. در مقابل این قصه، قصص فراوانی هم هست که اگر کسی خواست بفهمد آل فرعون عاقل‌ترند یا این زن، آل نمرود عاقل‌ترند یا این زن، سلاطینی که مسیح سلام‌الله علیه با آن‌ها روبه‌رو بود عاقل‌ترند یا این زن، بعد از اینکه معنای عقل در فرهنگ قرآن را تبیین نمود، خواهد دید این زنی که سلطنت می‌کرد و زمامدار کشور وسیع یمن بود، عاقل‌تر از خیلی از زمامدارهای مرد بوده است.» (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۱۵۸)

در این آیات خداوند به ماهیت هوشمندانه و اصلاح‌پذیر زنان در امور اشاره می‌کند.

۳. هویت اجتماعی مورد تأیید مستقیم قرآن

دسته سوم از آیات قرآن، آیاتی است که در آن حضور اجتماعی - سیاسی زنان هم تأیید و هم تصریح شده است.

۳-۱. حضور مبارزاتی همراه با مخاطرات آن

وجه دیگر هویت اجتماعی بانوان که مستقیماً مورد تأیید و تکریم قرآن قرار گرفته است، هویت مبارزاتی و انقلابی آن‌هاست. در آیه ۱۹۵ سوره آل عمران با نفی تأثیر جنسیت می‌فرماید: خداوند عمل هیچ عاملی را، خواه مرد یا زن، ضایع نمی‌کند «لَا أُضِیْعُ عَمَلٌ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ

۱. نمل، آیات ۳۳-۳۵.

ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَى بَعْضِكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُوذُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ».

خدای سبحان رحمت خود را عمومیت داده، می‌فرماید: «به‌طور کلی عمل هیچ عاملی از شما را ضایع نمی‌گرداند، پس در درگاه خدا فرقی نیست بین عملی و عمل دیگر و عاملی و عامل دیگر» (طباطبایی، ۱۳۵۳: ۴/۱۳۸).

این آیه به هجرت مسلمانان برای حفظ دین اشاره دارد و خطراتی که آن‌ها در این راه به جان خریدند؛ چراکه «ترک خانه و کاشانه و هجرت از مکانی که اقامه شعائر دین در آنجا مقدور نیست به مکان دیگر، برای حفظ دین واجب است و اقامت در وطن که به ترک احکام دینی بینجامد حرام (اعلام شده است)». (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۷۱۴/۱۶) آیت‌الله جوادی در ادامه می‌فرماید اصل این هجرت همانند جهاد و دفاع از تکالیف مهم شرعی و همواره باقی است و هرگز از بین نمی‌رود، چراکه اقامت در وطن که به ترک احکام دینی بینجامد حرام است مگر آنکه اصل مهاجرت ممکن نباشد. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۷۲۸/۱۶)

بنابراین، می‌توان گفت قرآن، هجرت و جهاد و تبعات آن، یعنی حضور مبارزاتی و به جان خریدن خطرات را از مصادیق عمل زن و مرد می‌داند که ماندگار بوده و به مثابه عمل صالح منبعث از منشأ ایمانی، وجه هویت‌ساز دارد.

۲-۳. حضور اجتماعی ولایی و اصلاح‌گرا (ولاء طرفینی)

یکی از جنبه‌های هویت‌بخش به مؤمنین وجود رابطه ولایی در بین آن‌هاست. از یک سو مؤمنین با ولیّ جامعه رابطه طولی دارند و از سوی دیگر بین زنان و مردان مؤمن رابطه ولایت عرضی وجود دارد از مظاهر این ولایت عرضی وجود احساس مسئولیت همگانی نسبت به حفظ انسجام و وحدت جامعه و نقش مصلحانه آحاد جامعه است. در حقیقت، برخلاف منافقان که دوستی آن‌ها محوریت واحد نداشته و ارتباطات آن‌ها به منکر عامل یکپارچگی،

بازدارنده از پراکندگی و گونه‌ای ولایت و فرمانروایی متقابل مؤمنان راحتی منجر به دشمنی می‌شود، مؤمنان در سایه توحید و ولایت، در ظاهر و باطن، ولی و دوست یکدیگرند. آیه ۷۱ سوره توبه به همین امر اشاره دارد.^۱

آیت‌الله جوادی در این خصوص به این مهم اشاره داشته‌اند که امر به معروف و نهی از نسبت به هم است. به عقیده ایشان هر فردی نسبت به دیگری از این ولایت مشروع مجعول متقابل بهره دارد. (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۴۹۳/۳۴)

عبارت «بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ»، یعنی ولاء طرفینی موجود در جامعه مؤمنین، اختصاص به مردان ندارد. در ادامه آیه، عبارت «يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» بر هویت مسئولانه، وحدت‌آفرین و اصلاح‌گرانه زنان و مردان مؤمن تأکید دارد. قرآن این امر را ویژگی ممتاز زنان و مردان مؤمن دانسته و از آنها به منزله بهترین امت یاد می‌کند.^۲

۳-۳. حضور در معاهدات سیاسی و بیعت با امام جامعه

در آیات ۱۰ و ۱۱ سوره ممتحنه خداوند مؤمنین را به پذیرش و حمایت و عدم استرداد زنان مؤمنه مهاجر امر می‌کند «فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ». این بانوان به منظور بیعت با رسول‌الله و پیوستن به او آمده‌اند. در آیه ۱۲ سوره ممتحنه، پذیرفتن این بیعت را منوط به چند شرط برای آن‌ها می‌داند؛ از جمله اینکه موحد ناب بشوند «لَا يَشْرِكَنَّ بِاللَّهِ شَيْئًا» و با رسول خدا در هیچ امر معروفی مخالفت نکنند «وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ» در این صورت است که بیعت آنها پذیرفته است.

از سیاق این آیه و دو آیه پیش از آن روشن می‌گردد که حضور زنان در حرکت‌های انقلابی و در معاهدات سیاسی و بیعت با امام جامعه نه تنها مورد تأیید و تصریح قرآن است، بلکه از زنان در این حرکت‌ها حمایت کرده و از جامعه مؤمنین نیز می‌خواهد که آن‌ها را مورد حمایت قرار دهند.

۱. «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيَطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ». توبه، آیه ۷۱.

۲. «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ». آل عمران، آیه ۱۱۰.

«در عهدنامه‌هایی که بین رسول خدا (ص) و مردم مکه برقرار گردیده نوشته شده است که اگر از اهل مکه مردی ملحق به مسلمانان شد، مسلمانان موظف‌اند او را به اهل مکه برگردانند، ولی اگر از مسلمانان مردی ملحق به اهل مکه شد اهل مکه موظف نیستند او را به مسلمانان برگردانند؛ همچنین از آیه شریفه چنین برمی‌آید که یکی از زنان مشرکین مسلمان شده و به سوی مدینه مهاجرت کرده و همسر مشرکش به دنبالش آمده و درخواست کرده که رسول الله (ص) او را به وی برگرداند و رسول خدا (ص) در پاسخ فرموده: «آنچه در عهدنامه آمده این است که اگر مردی از طرفین به طرف دیگر ملحق شود باید چنین و چنان عمل کرد و در عهدنامه درباره زنان چیزی نیامده، به همین مدرک رسول الله (ص) آن زن را به شوهرش نداد و حتی مهریه‌ای را که شوهرش به همسرش داده بود به آن مرد برگردانید».

(طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۰۹/۱۹)

۴. هویت اجتماعی متعالی از منظر قرآن و توصیه به الگوبرداری

گروه چهارم، آیاتی است که نه تنها تأیید و تصریح بر حضور در عرصه‌های مختلف برای زنان را دارد، بلکه این نحوه حضور را الگو و نمونه‌ای برای زنان معرفی می‌کند. حتی در برخی موقعیت‌ها نه تنها آن‌ها را الگویی برای زنان، بلکه نمونه مردم خوب معرفی می‌کند. به این معنا که آحاد مسلمین اعم از زن و مرد شایسته است که از آن‌ها الگوبرداری کنند.

۱-۴. حضور مؤنثانه مصلحانه و همراه با تبّری از ظلم و ستم

آیات ۱۱ و ۱۲ سوره تحریم، از آسیه همسر فرعون و مریم دختر عمران به منزله نمونه مردم خوب و الگویی برای اهل ایمان یاد می‌کند.

آیت الله جوادی در خصوص اینکه آسیه و مریم نمونه مردم خوب هستند نه نمونه زن خوب، بیان می‌کنند که «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ»، نه «لِلْآتِي». نمونه جامعه خوب، مریم است؛ چراکه حرف اول انسان را روح او می‌زند و روح نه مذکر است نه مؤنث، نه مرد است نه زن... نمونه مردم خوب، آسیه است و مریم، برای اینکه این‌ها با انسانیت‌شان رشد کردند، این انسانیت

مشترک است، با روحشان رشد کردند این‌جا مشترک است. (جوادی آملی، ۱۳۹۶ ب: [جلد ۱۰])
به فرموده ایشان آنچه باعث می‌شود آسیب‌الگو معرفی شود تبری ایشان از ظلم و کفر و تن
ندادن به افکار جاهلانه و ظالمانه است. همانگونه که معنویت مریم به همراه تحمل مشقت
عبادات طولانی زمینه‌ساز تولد منجی و هدایت بنی اسرائیل در تبری از خرافات و زراندوزی
اصحاب معابد می‌شود.

همسر فرعون از اعمال او اعلام بیزاری کرده است و در عین اینکه همه لذات برایش فراهم بوده،
مع ذلک از آن‌ها چشم پوشیده و به کراماتی که نزد خدا است و به قرب خدا دل بسته و در برابر
ایمان خود استقامت ورزیده است... و این قدمی که همسر فرعون در راه بندگی خدا برداشته،
قدمی است که می‌تواند برای همه پویندگان این راه، مثل باشد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۷۸/۱۹)

مریم از زمره مردمی بود که مطیع خدا و خاضع در برابر اویند و دائماً بر این حال هستند؛

شاید منظور از تصدیق کلمات پروردگارش و تصدیق کتب خدای تعالی این باشد که
مریم (ع) صدیقه بوده است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۷۹/۱۹)

در این مرحله علاوه بر عفت و تقوی و مبارزه با ظلم و ستم و جبهه معنوی همراه با مخالفت
مریم و آسیب با افکار خرافی و افکار دستگاه ظلم که با استخفاف و تحقیر و سلطه‌جویی
همراه بود، مطرح است.

این دو بانو برای پاک‌ی و دوری از انحرافات محیط و برای مبارزه با اندیشه‌های غلط رایج در
زمان خود الگو سرآمد مردمان در تمامی عصرها و نسل‌ها معرفی می‌شوند.

۲-۴. حضور اجتماعی مادرانه و مصلحانه

در دو منبع اصیل دینی یعنی قرآن و سیره معصومین موارد متعدد از تلاقی صفت مادرانگی
با خیرخواهی و مصلحت‌اندیشی اجتماعی و بلکه در سطح وسیع جهانی دیده می‌شود. در
ادامه به آیاتی که در آن این ویژگی ممتاز مادرانه و مصلحانه برجسته شده، اشاره می‌شود.

مجاهدت مادر حضرت موسی

ماجرای مادر حضرت موسی در دو سوره طه و قصص ذکر شده است. «إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّكَ مَا يُوحَىٰ»،^۱ «وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ...»؛^۲ در هر دو سوره از وحی به مادر موسی صحبت می‌کند.

مادر موسی (سلام الله علیها) نه پیغمبر بود و نه امام. چیزی از امامت و نبوت و رسالت سهمیه آن بانو نبود. اخلاص داشت و ذات اقدس الهی در حوزه اراده او وحی فرستاد. (جوادی آملی، ۱۴۰۰: ۶۶۰/۶۲)

به عقیده آیت الله جوادی، این وحی وقتی وارد صحنه قلب مادر موسی شد، هم فضای عزم و اراده و طلب و نیت و اخلاص او را تقویت کرد و هم بخش‌های علمی و یقین او را متقن ساخت. به دیگر سخن، این وحی طوری فضای نفس او را روشن کرده است که سهمگین‌ترین خطر را با میل خود استقبال کرده است. او یک مادر است و چه کسی است که فرزند خود را در دریا بیندازد؛ اما قرآن اشاره می‌کند که «ما گفتیم او هم گفت چشم! بدون معطلی این کار را کرد دیگر فکر نکرد که دریا انداختن یعنی چه». (جوادی آملی، ۱۴۰۰: ۶۵۴/۶۲)

بی‌قراری مادرانه او با مژده بازگرداندن موسی به او آرام گرفت و بشارت رسالت موسی از سوی خداوند به این مادر منتظر منجی نشان از خصلت مصلحانه او دارد. طلب اصلاحی که برای آن حاضر به فداکاری حمل و وضع در سخت‌ترین شرایط ممکن و سپردن کودک به دل امواج خروشان آب شد. عبارات «رأوه و جاعلوه من المرسلین» از تقارن مادرانگی و طلب مصلح جهانی خبر می‌دهد.^۳

این طلب اصلاح و فداکاری نه تنها در مادر موسی که در برخی دیگر از زنان بنی اسرائیل مشهود است. نکته‌ای که صاحب تفسیر تسنیم پرده از آن برمی‌دارد و به اهمیت حضور

۱. طه، آیه ۳۸.

۲. قصص، آیه ۷.

۳. «وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خُفِّتِ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْبِئْرِ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ». قصص، آیه ۷.

مصلحانه زنان اشاره می‌کند در همین ماجرای حضرت موسی است. ایشان عنوان می‌کنند: «زنان بنی اسرائیل در تقابل با تیرگی عصر فرعون نقشی ممتاز و چشمگیر داشتند. نمونه بارزش نجات حضرت موسی (علیه السلام) از ستم فرعونیان به دست مادر و خواهر حضرت موسی و همسر فرعون است». (جوادی آملی، ۱۳۸۰: ۱۲۸/۱۴)

مادر حضرت مریم

«إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ». این آیه به نذر مادر حضرت مریم اشاره می‌کند و در جمله‌ای که عظمت نذر وی را می‌رساند به خدا عرض کرد: تو که بندگان متضرع را می‌شناسی و به دعایشان اثر می‌بخشی، دعای مرا هم به اجابت برسان. (جوادی آملی، ۱۳۸۰: ۱۲۴/۱۴)

تحریر در این آیه آزادکردن از قید ولایتی است که والدین بر فرزند خود دارند، با داشتن آن ولایت، او را تربیت می‌کنند، در مقاصد خود به کار می‌برند و اطاعتشان بر فرزند واجب است. پس با تحریر، فرزند از تسلطی که پدر و مادر بر او دارند خارج می‌شود، فرزند در ولایت خدا داخل شود تا تنها او را بپرستد و خدمت کند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۷۰/۳)

با توجه به اینکه یکی از مهم‌ترین مصادیق خدمت‌رسانی به جامعه بشری، خدمت به دین است، مادر حضرت مریم (علیها السلام) فرمود: «رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا»؛ یعنی فرزندم را از هر قیدی رها می‌کنم تا در خدمت دین تو باشد؛ «آری انسان تا از همه قیود رهایی نیابد، نمی‌تواند کاملاً در خدمت دین باشد، چنانکه شیء تا از همه تملک‌ها آزاد نشود، نمی‌تواند قید «وقفیت» را بپذیرد». (جوادی آملی، ۱۳۸۰: ۱۲۸/۱۴)

آیت الله جوادی بیان می‌کند که برای پرورش کسی مانند حضرت مریم (علیها السلام) که مادر پیامبری چون حضرت مسیح (علیه السلام) خواهد شد، شرایطی لازم است: ۱. چشم پوشیدن مادر از همه حقوق خویش و وقف فرزند در راه خدا. ۲. فرزند را به خدا سپردن، برای تربیت

صحیح. ۳. اجابت دعای مادر از ناحیه خدای سبحان. (جوادی آملی، ۱۳۸۰: ۱۲۵/۱۴-۱۲۷) نشان این درخواست خالصانه مادر مریم زمانی مشخص می شود که وقتی دریافت که فرزندش دختر است، با تحسّر و اندوه گفت: «رَبِّ اِنِّی وَضَعْتُهَا اُنْثٰی» زیرا خواسته اش فرزند پسر بود تا او را خدمتگزار «بیت مقدس» قرار دهد. «آری، او فرزند پسر را برای حل مشکل شخصی خود نمی خواست و خواسته اش تنها این بود که فرزندش خادم خانه خدا باشد». (جوادی آملی، ۱۳۸۰: ۱۲۹/۱۴)

حضرت مریم

آیه ۴۵ سوره آل عمران بشارت تولد حضرت عیسی علیه السلام به حضرت مریم را ذکر می کند. بشارت در این آیه «اِنَّ اللّٰهَ یَبَشِّرُکَ بِکَلِمَۃٍ مِنْهُ اَسْمُہُ الْمَسِیْحِ عِیْسٰی ابْنِ مَرْیَمَ» دو پیام دارد: تو مادر می شوی؛ مادر شدن از راه غیب است و عیسی (علیه السلام) فقط فرزند توست. (جوادی آملی، ۱۳۸۰: ۲۸۹/۱۴)

علامه طباطبایی این آیه را دلیل محدثه بودن مریم می داند و معتقد است مریم هم فرشته را دیده و هم صدای او را شنیده است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹۲/۳)

در بشارت فرشتگان به حضرت مریم ویژگی هایی برای منجی، یعنی حضرت مسیح بیان می شود که برخی از آن ها عبارت اند از:

- روح وی انتسابی قوی و پیوندی ویژه با خدا دارد.
- در دنیا رسول است و در آخرت شفیع (وصف عیسی مسیح به وجیه بودن در دنیا و آخرت، آن حضرت و مادر او را از اتهامات ناروا تنزیه می کند).
- از صالحان است.
- در گهواره در نخستین روزهای ولادت سخن می گوید. (جوادی آملی، ۱۳۸۰: ۲۸۲/۱۴ و ۲۸۳)

صاحب تفسیر تسنیم سخن گفتن عیسی در گهواره را هم معجزهٔ این پیامبر الهی می‌داند و هم معجزهٔ مریم. وی معتقد است که این امر با اشارهٔ مادر صورت گرفته است. «این کودک گرچه به اذن خدا لب به سخن گشود، اشاره مادر را نیز می‌طلبید و بدون اشاره مادر، سخنی نمی‌گفت و سرّ دخالت مادر نیز اتهامات ناروایی است که آن را به آن حضرت نسبت دادند... بر این اساس، مریم (علیها السلام) باید دستور اشاره: «فَأَشَارَتْ إِلَيْه» را از غیب گرفته باشد، پس نمی‌توان گفت که مریم (علیها السلام) در این اعجاز هیچ نقشی نداشته است». (جوادی آملی، ۱۳۸۰: ۲۹۷/۱۴ و ۲۹۸)

این آیات و آیات سوره مریم از یک سو اشاره به اوج طهارت و صفای باطن مریم دارد که سبب ملاقات با روح القدس گردید؛ از سوی دیگر مخالفت عمیق مریم با افکار باطل زمان خود و رفتار ستم‌گرانه حاکمان و دین به دنیا فروشان باعث شد نتیجه این ملاقات تجلی روح الهی در قالب کلمه الهی بود و بدین سان منجی بنی اسرائیل پا به عرصه وجود طبیعی گذاشت.

مادرانگی: گفتمان اصالت‌بخش همهٔ ابعاد هویت

زنانی که در قرآن کریم در مقام زنان الگو از آنان یاد شده، علاوه بر هویت پاک و عقیقانه و به دور از تبحرهای جاهلانه، هویتی مبارز در برابر ظلم و ستم و خرافات و جهالت‌های زمان خود دارند و طالب اصلاح اجتماع هستند. علاوه بر خصلت‌های فوق، ایشان در وجه مادری‌شان به مقام اسوه بودن رسیده‌اند، آن هم نه مادری صرفاً بیولوژیک، بلکه مادری آمیخته با مادرانگی. به تعبیر بهتر، آنها از مقام مادری بیولوژیک برای صعود به رتبهٔ مادرانگی نسبت به عالم استفاده کرده‌اند. این مادرانگی غالباً در پیوند با طلب اصلاح اجتماعی است و کسی که به این مرتبه می‌رسد، فارغ از زن یا مرد بودن، می‌تواند اسوهٔ تمام جهانیان باشد.

بر اساس آیات قرآن کریم و دیدگاه مفسران متأخر، روح و حقیقت انسان فراجنسیتی است و در وادی تعقل و اندیشه، زن و مرد بودن موضوعیت ندارد. «مادرانگی» نیز به مثابه یک مرتبه در نظام خلقت، پیش از جنسیت تعریف می‌شود. هر فرد انسانی فارغ از بعد جنسیتی زنانه و مردانه و فارغ از سن بیولوژیک خود به درجاتی می‌تواند واجد ویژگی‌های مادرانه باشد. امکان

ظهور این صفات در بین بانوان در خانواده و جامعه، بیشتر است.

شناسایی این مرتبه نیازمند تمایز بین مادری و مادرانگی است. مادری امری زیست‌شناختی است که از انعقاد نطفه آغاز و پس از طی مراحل بارداری و زایمان به مادری زیستی یک فرزند می‌رسد. حال آنکه مادرانگی مجموعه‌ای از اسماء و صفات خاص را به همراه بردارد.

در بخش حضور اجتماعی مادرانه و مصلحانه زنان به آیاتی چند در این زمینه اشاره شد. مادر حضرت موسی به عنوان کسی که نه تنها ناجی فرزند، بلکه ناجی یک امت می‌باشد، نگران حمایت از فرزندش است، اما نه به این دلیل که مادر حضرت موسی است، بلکه به این دلیل که فرزندش، ناجی یک امت است. از این رو، ایشان در زمانی می‌تواند به مرتبه الهام و وحی برسد «و اوحینا الی ام موسی» که احساس استیصال از نجات یک ناجی و مصلح اجتماعی منتخب از سوی خداوند متعال، بر ایشان غلبه می‌یابد و زمانی که مطمئن می‌شود این ناجی نجات می‌یابد، آرام می‌گردد «فاصبح فؤاد ام موسی فارغا».

هنگامی که این وجه مادرانگی در یک زن به بار می‌نشیند، حتی طلب وجودی او برای باردار شدن با این قصد می‌شود که بتواند فرزند را به عنوان مصلح اجتماعی یک امت به عالم عرضه کند. به طور مثال، مادر حضرت مریم (سلام الله علیها) با این طلب که بتواند فرزندش در مسیر هدایت الهی داشته باشند، باردار می‌شوند و خود آن حضرت نیز که از بارزترین الگوهای قرآنی‌اند، به دلیل ارتباط نزدیک با سطح جامعه، طالب منجی بود و پس از اینکه متوجه بارداری در شرایط خاص می‌شود، تنها زمانی آرام می‌شود که همچون مادر حضرت موسی درمی‌یابد که این فرزند مسیح یا همان منجی است. برخی از محققان همچون آلوسی بر این باورند که حضرت مریم هنگام ملاقات با روح القدس و دمیدن روح القدس در او، به مقام نبوت نائل شد. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۴۹) دقت در این امر نشان می‌دهد که نبوت حضرت مریم در لحظاتی رخ داد که طلب اصلاح اجتماعی با مادرانگی در ایشان همراه شده بود.

نمونه دیگر، همسر حضرت ابراهیم است که صدای فرشته‌ها و بشارت اسحاق را می‌شنود. بشارت‌ها، شنیدن صدای فرشته، وصل شدن با ماورا، زمانی اتفاق می‌افتد که فرد در اوج

است. شاید بشود از قرآن این را برداشت کرد که یکی از لطیف‌ترین و زیباترین حس‌هایی که می‌تواند یک زن را به اوج برساند مادری است.

با بررسی سیره معصومین نیز مشخص می‌شود که حضرت فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) زمانی مخاطب «فداها أبوها فأنها أمّ أبیها» قرار گرفت که کودکی در خانه پدر بود. چگونه یک دختر خردسال می‌توانست مادر پدرش باشد، جز اینکه بگوییم هر زنی حتی در کودکی می‌تواند به واسطه توجه، مراقبت و مادرانگی نسبت به کسی، لقب مادر او را بگیرد، حتی اگر آن زن هیچ‌گاه در زندگی اش بچه‌دار نشود. هر زنی می‌تواند مادری کند و این ربطی به فرزندآوری ندارد. (پورمحمدی، ۱۳۹۳: ۱۱)

استیصال مادرانه هاجر در وادی خشک برای یافتن آب و نجات فرزند منجر به معجزه جوشیدن چشمه می‌گردد.^۱

نتیجه‌گیری

هویت‌یابی اجتماعی زنانه مطابق نص قرآن کریم در چهار بخش صورت گرفت. اولین بخش، مواردی است که قرآن کریم به صورت سلبی، از هویت اجتماعی زنانه می‌زداید. حضور اجتماعی دنیاطلبانه، عشوه‌گرانه، متبرّجانه، زمینه‌ساز رفتار ناشایست و زمینه‌ساز آزار و اذیت از جمله این موارد است. در بخش دوم، شاهد تأیید غیرمستقیم برخی عرصه‌های هویت‌یابی اجتماعی زنان با سکوت قرآن در بعضی آیات هستیم. این موارد عبارت‌اند از: نفس حضور اجتماعی و اقتصادی زنان، حضور در عرصه سیاسی و حکمرانی و اشتغال اقتصادی زنان. در بخش سوم، حضور مبارزاتی در راه اسلام و حضور در مقام مصلح اجتماعی و حضور در معاهدات سیاسی مورد تأیید صریح قرآن قرار می‌گیرد. در نهایت بین همه انواع صور هویت‌یابی اجتماعی زنانه، حضور سازنده و مصلحانه و مادرانه نه تنها مورد تأیید، بلکه مورد تحسین است و زن را تا مرحله اسوه بودن، رشد می‌دهد. مادرانگی، به عنوان گفتمان جهت‌بخش همه ابعاد هویت در بعد اجتماعی، با اصلاح اجتماعی پیوند دارد و نائل به این

مرتبه فارغ از زن یا مرد بودن، اسوه جهانیان است. این ویژگی‌ها می‌تواند به منزله حلال بسیاری از مشکلات جهان امروز مورد توجه خاص قرار گیرد.

شک نیست که مدیریت فعلی جهان نقص‌های زیادی دارد. جنگ و خشونت، رقابت‌های ناسالم، تمرکز بر سودجویی و لذت‌طلبی، فریب‌کاری و بسیاری دیگر از نمودهای تمدن امروز بشری نیازمند تعدیل است. مادرانگی امری فراتر از جنس و جنسیت است که نقطه مقابل وضع موجود بوده و با سودجویی، فردگرایی و لذت‌طلبی‌های سطحی همخوانی ندارد. رقابت و جنگ و ستیزهای خانوادگی یا اجتماعی با وجه همدلانه مادری تعدیل می‌شود. فریب‌کاری و جلب نظر و آرای مردم به قیمت چپاول منفعت طلبانه زندگی ایشان با مصلحت‌اندیشی و از خودگذشتگی «مادرانه» تعدیل می‌شود. خلاقیت و آفریدن فرصت برای تعالی خود و دیگران، ایجاد فضای صمیمیت بدون هرزگی، مدیریت بدون فریب‌کاری، خیرخواهی بدون منفعت‌طلبی، مقاومت عاشقانه و طولانی مدت در برابر مشکلات، تحمل واقعی سلیقه‌های مختلف و پذیرش و عشق‌ورزی بی‌انتظار و چشم‌داشت، زیر پروبال گرفتن افراد با اندیشه‌های متفاوت از دیگر ویژگی‌های مادرانه است که جوامع امروزی به آن نیازمند است. از مهم‌ترین موانع رشد و توسعه ویژگی‌های مادرانه، تنزل معادلات و تعاملات اجتماعی انسان‌ها در سطح جنسیت، یعنی زن بودن و مرد بودن است. تمرکز بر جنسیت چه در سطح بیولوژیک و تذکیر و تأنیث آن و چه در حیطه خلق و خو و عادات و آداب اجتماعی، راه را برای ظهور اصلی‌ترین خصایص انسان‌های والا، یعنی مادرانگی می‌بندد. ویژگی‌هایی که شبیه‌ترین حالات ظهور اسم رحمان در انسان را رقم می‌زنند.

منابع

- قرآن کریم.
 نهج البلاغه.
- آلوسی، محمودبن عبدالله. (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار
 إحياء التراث العربي.
- پورمحمدی، نعیمه. (۱۳۹۳). «الهیات مادرانگی» در کتاب مقدس و قرآن کریم». پژوهشنامه
 فلسفه دین. ۲۰(۱): ۱۱-۳۹.
- پویازاده، اعظم؛ و روح‌الله طالبی. (۱۴۰۰). «بازنگری در نبوت زنان مطالعه موردی حضرت
 مریم(س) در قرآن». پژوهش‌نامه زنان. ۱۲(۳۷): ۲۵-۵۱.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۸). زن در آئینه جلال و جمال. قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری
 نور، نشر دارالهدی.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۹). تفسیر تسنیم، قم، نشر اسراء. جلد ۱۲.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۰). تفسیر تسنیم، قم، نشر اسراء. جلد ۱۴.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۷). تفسیر تسنیم، قم، نشر اسراء. جلد ۱۶.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۸). تفسیر تسنیم، قم، نشر اسراء. جلد ۱۷.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۹). تفسیر تسنیم، قم، نشر اسراء. جلد ۱۸.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۵). تفسیر تسنیم، قم، نشر اسراء. جلد ۳۴.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۶ الف). «درس تفسیر موضوعی سوره ممتحنه». سایت فقاہت.
 مشاهده در ۱۴۰۲/۰۴/۱.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۶ ب). «درس تفسیر موضوعی سوره تحریم». سایت فقاہت.
 مشاهده در ۱۴۰۲/۰۴/۱.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۴۰۰). تفسیر تسنیم، قم، نشر اسراء. جلد ۶۲.

- جوادی آملی، عبدالله. (۱۴۰۱ الف). تفسیر تسنیم، قم، نشر اسراء. جلد ۶۳.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۴۰۱ ب). تفسیر تسنیم، قم، نشر اسراء. جلد ۶۶.
- حاج بابایی، حمیدرضا؛ وحید واحد جوان؛ و مریم علیزاده. (۱۴۰۱). «قومیت مردان و تأثیر آن بر فعالیت اجتماعی زنان از منظر قرآن کریم». فصلنامه علمی پژوهش نامه معارف قرآنی. ۱۳(۴۸): ۱۶۰-۱۸۴.
- شیروودی، مرتضی. (۱۳۸۴). «نقش اجتماعی سیاسی زنان در جامعه معاصر ایرانی (بررسی فعالیت زنان در سه دوره؛ انقلاب مشروطه، قبل و پس از آن)». پژوهش زنان. ۳(۲): ۷۵-۹۳.
- طاهری نیا، احمد. (۱۳۸۵). «زن و کیفیت حضور او در اجتماع از منظر قرآن». نشریه معرفت. ۱۰۷. ۷۶-۸۳.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۵۳). المیزان فی التفسیر القرآن. لبنان، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عطاش، عبدالرضا. (۱۳۹۲). جایگاه حقوقی زن در قرآن کریم. زن و فرهنگ، ۴(۱۶)، ۱۰۳-۱۱۰.
SID. <https://sid.ir/paper/189695/fa>
- علم، محمدرضا، زهرا رضوی سوسن. (۱۳۹۲). «بررسی نقش زنان در جنبش تنباکو». فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ. ۴(۱۵): ۷۱-۷۸.
- فرجامی، اعظم. (۱۳۸۵). «آفرینش حوا (زن) در قرآن و روایات». زن در توسعه و سیاست. ۴(۴): ۲۲-۵.
- کسرابی، محمدسالار؛ و نرگس نیکخواه قمصری. (۱۳۸۸). «جنسیت و انقلاب: نگاهی متفاوت به مشارکت زنان در انقلاب اسلامی ایران». پژوهشنامه متین. ۱۱(۴۴): ۹۹-۱۲۳.
- مفتاح، محمدهادی؛ و سحر یوسفی. (۱۳۹۴). «فعالیت اجتماعی زنان در آرای مفسرین فریقین با استناد به آیات ۳۳ احزاب و ۲۴ نساء». دوفصلنامه دانشگاه قم. ۱(۲): ۹۹-۱۰۸.
- نادری، حمید، و بهجت پور، عبدالکریم. (۱۳۹۷). نگرشی کاربردی به رفتارشناسی ملکه

- سبأ در تعامل با مردم در تفسیر آیات ۲۳ و ۲۴ نمل. مطالعات تفسیری، ۹(۳۵)، ۱۲۱-۱۴۴.
- نوری، اعظم. (۱۳۹۳). «نقش مادری در آموزه‌های قرآنی» پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده. ۲(۲): ۷۱-۹۲.
- وحیدراد، میکائیل. (۱۳۹۷). «کنش اجتماعی زنان در جنگ جهانی اول و دستاوردهای آنان پس از جنگ در غرب (با تأکید بر حق رای زنان)». پژوهش‌نامه زنان. ۹(۲): ۱۵۱-۱۷۹.